

از یائوس^۱ تا پدیده دریافت در ادبیات تطبیقی

دکتر محمدحسین جواری

عضو هیئت عملی دانشگاه تبریز

گروه آموزش زبان و ادبیات فرانسه

در زیبایی شناسی مارکسیستی، ادبیات به منزله بازتاب و انعکاس جامعه تلقی می شود. برعکس، برای فورمالیستها، ادبیات سیستم بسته ای است بریده از واقعیت اجتماعی. تئوری دریافت ادبی می خواهد پا فراتر از این دو نظریه بگذارد. زیرا ادبیات را پدیده ای ارتباطی، دارای ارزشهای زیبایی شناختی و اخلاقی و اجتماعی، می داند. تئوری زیبایی شناسی هویت و عملکرد خاصی به ادبیات و هنر داده و همواره مورد اعتراض واقع شده است. مباحث این مقاله از چهار منظر مسأله دریافت ادبی را بررسی می کند: پدیده دریافت چگونه به وجود می آید؟ فرمولهای دریافت چگونه ساخته می شوند؟ زیبایی شناسی دریافت یعنی چه؟ و بالاخره افق انتظار چگونه تعریف می شود؟

الف. پدیده دریافت

پیدایش دریافت ادبی در مطالعات تطبیقی پدیده ای است جدید که در اوایل دهه هفتاد میلادی در عرصه ادبیات ظاهر می گردد و نظر محققان و متخصصان ادبیات تطبیقی را به خود جلب می کند. می دانیم که تئوری دریافت ادبی در آلمان پدیدار گشته است. قبل از

1) Hans Robert Jauss

این که این تئوری ارائه شود، محققان فرانسوی در زمینه ادبیات تطبیقی، کلمه تأثیرپذیری را برای مطالعه تأثیر ادبیات ملی در کشورهای خارجی، تأثیر قدما، تأثیر ادبیات کشورهای خارجی روی کشور فرانسه و تأثیر مدرن‌ها به کار می‌بردند و تمام این مطالعات در سپهر تبادل‌های بین‌المللی صورت می‌گرفت. اما در خارج از فرانسه، در آلمان، در اواخر سال‌های شصت میلادی، اساس مکتب کنستانس^۲ توسط یائوس و ایزر^۳ پایه‌گذاری شد.

البته باید بگوییم که مکتب ادبی کنستانس آلمان شاخه‌ای از مکتب فلسفی فرانکفورت آلمان است که فیلسوفانی چون آدرنو، گادامر و هابرماس... از طرفداران آن بودند. در سال ۱۹۷۲ یائوس تئوری زیبایی‌شناسی دریافت را ارائه کرد. تئوری دریافت ادبی، متخصصان ادبیات تطبیقی را وادار به شرکت در مباحثات مربوط به دریافت ادبی می‌کند. گردهمایی‌های متعددی مربوط به ارتباط ادبی و روند دریافت در مکان‌های مختلف برگزار می‌شوند و کم‌کم، در اواخر سال ۱۹۷۹، تئوری دریافت ادبی برای خود جای پای در مطالعات تطبیقی باز می‌کند. اما باید گفت که تأکید صرف روی کلمه دریافت^۴ برای توجیه علمی تحقیقات تطبیقی کافی نیست و متدهای لازم برای عملی ساختن آن لازم است. نظریه پردازان ویژگی‌های متعددی برای مطالعه دریافت ادبی ارائه نموده‌اند.

ب. فرمول دریافت

فرمول ایکس (x) و ایگرگ (y) فرمولی است که می‌توان از ورای آن کشور x را در کشور y و حضور x را در y مطالعه کرد و بالاخره دریافتی که y از x داشته است مشخص نمود. همچنین می‌توان رفتار و عکس‌العملی را که فرهنگ y در دریافت فرهنگ x داشته یا فرهنگ y چه نوع نوشته‌های انتقادی را در مقابل نفوذ فرهنگ x به وجود آورده است مطالعه نمود. بنابراین، مطالعاتی که روی امر دریافت عملی می‌شوند بیشتر از پویایی دریافت شونده، تأکید بر فعالیت فرهنگ و ادبیات دریافت‌کننده دارند. به علاوه، اگر x را دریافت شونده و y را دریافت‌کننده تلقی کنیم، می‌توان به مقولات زیر دست یافت:

2) Ecole de Constance

3) W. Iser

4) réception

(A) روند دریافت می‌تواند یک جوّ فرهنگی را در برابر یک اثر قرار دهد. یعنی چگونه و چطور محیط و فضای یک فرهنگ بیگانه، یک اثر ادبی را دریافت می‌کند.
(B) روند دریافت می‌تواند، در جوّهای مختلف فرهنگی، دریافت یک اثر را بررسی کند. به عبارت دیگر، اثر ادبی دریافت‌های متفاوتی در فرهنگ‌های متفاوت دارد. این دریافت‌های متفاوت، از عوامل زمانی، محیطی، ایدئولوژیکی و فرهنگی و اجتماعی هر جامعه ناشی می‌شوند.

(C) روند دریافت می‌تواند آثار مختلف را در یک دریافت کننده بیازماید؛ یعنی می‌توان دریافت آثار متفاوت نویسندگان را در یک فرهنگ بیگانه مطالعه کرد.

(D) روند دریافت می‌تواند یک نویسنده را در برابر یک جوّ فرهنگی مطالعه کند؛ یعنی دریافتی را که یک جوّ فرهنگی از یک نویسنده دارد بیازماید؟

بنا بر این، اثر ادبی نباید به صورت مطلق و پایان یافته در نظر گرفته شده باشد بلکه باید بر اساس روابط متفاوتی که آن اثر در طول تاریخ، در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، با خوانندگان داشته است مطرح شود. ولی تحقیقات تطبیقی چنین مفروض می‌دارند که برخورد دو فرهنگ باعث می‌شود تا یک عده عوامل و عناصر اجتماعی، فرهنگی، ادبی و هنری موجود بین دو فرهنگ روشن و واضح گردند. در مطالعهٔ دریافت ادبی، در قلمرو دو فرهنگ یا چندین فرهنگ متفاوت، از طرفی عوامل مختلفی چون ترجمه و اقتباس و از طرف دیگر نوشته‌های انتقادی به وجود آمده در باب اثر دریافت شده در فرهنگ مقصد، مؤثر واقع می‌شوند. در سطور بعد به توضیح این مسئله خواهیم پرداخت.

ج. زیبایی‌شناسی دریافت ادبی

ادبیات خود را در سیر تاریخی مطرح می‌سازد و این مسأله پیش می‌آید که چطور باید تاریخ ادبیات یا تاریخ ادبیات‌ها را تحریر کرد و طریق شایستهٔ درک رابطهٔ تاریخ ادبیات با تاریخ عمومی چیست؟

یائوس دیدگاه جدیدی از تاریخ ادبیات ارائه می‌دهد و می‌خواهد تاریخ ادبیات پویایی ارائه نماید. البته هدف یائوس رد تاریخ ادبیات نیست بلکه وی می‌خواهد که اعصار مختلف ادبی را بازتر و پویاتر نمایان سازد و مخالف این است که عصری به روی خود بسته باشد. به عبارت دیگر، وی دید ما را در امر تفسیر آثار هنری وسیع‌تر می‌کند.

از دیدگاه یائوس، اثر ادبی آن نیست که ارتباط خود را از همه چیز بریده و در تمام اعصار برای خوانندگان به یک گونه و به یک نوع تفسیر شده باشد. چنین نگرشی ما را از تفسیر ثابت و پایدار که روی آثار ادبی عملی می‌شوند دور نگه می‌دارد. زمانی تلاش منتقدان و دانشگامیان بر این بود تا دقیقاً آن معنایی را که نویسنده خواسته بوده به متن بدهد آن را جستجو کنند؛ سپس اصلی به نام قرائت متفاوت یا تکرگرایسی در تفسیر و جستجوی معنی مطرح می‌شود. به محض این که متنی در اختیار خوانندگان گذاشته می‌شود نویسنده آن متن دیگر یگانه صاحب و مالک آن نیست. به عبارت دیگر، به محض این که متنی به چاپ می‌رسد این متن به منزله دستگامی تلقی می‌شود که هر کس بنا به میل و ذوق خود و بر حسب امکانات خود از آن بهره‌مند می‌شود. اما شرایطی که باعث می‌شوند که متن قرائت‌پذیر باشد کدام‌اند؟ شیوه‌ها و روش‌هایی که به مدد آنها اثر ادبی وجود پیدا می‌کند کدام‌اند؟

بدین جهت می‌توان اثر ادبی را، هم یک ایدئولوژی جمعی که بر نظم و اصول روابط اذهان^۵ استوار است و هم تجربه ذهنی و فردی خواننده یا نویسنده که از ورای آن این اصول علمی می‌شوند تلقی کرد. رومن اینگاردن^۶ نیز به عنوان شاگرد ادموند هوسرل می‌گوید که تحریر اثر ادبی به پایان می‌رسد ولی در قالب «متن - خواننده» است که چهره واقعی اثر ادبی تجلی پیدا می‌کند. در اینجا است که ادبیات و اثر هنری جنبه فرا زمانی پیدا می‌کند.

اصولاً متون خارجی، که تطبیق‌گر روی روند دریافت آنها در فرهنگ مقصد مطالعه می‌کند، متونی هستند که در اکثر مواقع ترجمه شده‌اند. زیرا جز اشخاص آشنا به زبان خارجی، دیگر افراد، از طریق متون ترجمه شده با خارج از فرهنگ خود ارتباط برقرار می‌سازند.

بنا بر این، در مطالعه دریافت ادبی، باید متن مبدأ را به خوبی شناسایی کرد. اولاً وقتی که از نقطه نظر ترجمه‌شناسی^۷ متن مبدأ و مقصد را مطالعه می‌کنیم می‌بینیم که تا چه حدودی، در امر ترجمه، متن مقصد از متن مبدأ می‌تواند فاصله بگیرد. می‌دانیم که نویسنده با توجه به دریافتی که ضمن قرائت‌های خود از دنیا دارد اثر ادبی خود را

می‌آفریند و در فرهنگ خود عرضه می‌کند، ولی مترجمی که می‌خواهد این اثر ادبی را ترجمه کند مسلماً تحت تأثیر قرائت خاص خود خواهد بود، یعنی مترجم اثر را طبق آن دریافتی که از اثر ادبی دارد ترجمه خواهد کرد. و از طریق این مترجم است که صدها هزار خواننده در فرهنگ مقصد به وجود خواهد آمد، و باز هم هر یک از خوانندگان فرهنگ مقصد با توجه به دریافت خودشان آن اثر ادبی را در جامعهٔ خود درک خواهند کرد.

باید بگوییم که کیفیت و چگونگی ترجمه در روند دریافت خیلی مؤثر است و می‌تواند در شناساندن درست یا غلط فرهنگ مبدأ در فرهنگ مقصد صد در صد مؤثر باشد. زیرا مسأله‌ای که مهم به نظر می‌آید مجموعه نوشته‌های انتقادی است که در حول این متون به همت جامعهٔ روشنفکران فرهنگ مقصد به وجود می‌آید. این نوشته‌های انتقادی، هم از نقطه نظر ایدئولوژی، و هم از حیث روش تحلیل، اهمیت ویژه‌ای دارند. آنچه که تطبیق‌گران بر آن تأکید دارند افکار و اذهان جامعهٔ دریافت‌کننده است. زیرا که مطالعهٔ دریافت ادبی، هم با تاریخ اجتماعی جامعه و هم با روان‌شناسی جمعی جامعه مرتبط است. می‌فهمیم که دریافت ادبی بر روی خوانندگان متمرکز است و، بنا به نظر یائوس، تاریخ ادبیات بر تجربهٔ خوانندگان استوار است و باید هم این طور باشد. و این تجربه‌های خوانندگان اند که آثار ادبی را زنده نگه می‌دارند.

کسی که تاریخ ادبیات می‌نویسد باید خوانندهٔ زبردستی باشد تا بتواند موقعیت متن یا اثر را درک کند و آن را در زمان‌ها و مکان‌های متفاوت یا به عبارت دیگر در زنجیرهٔ قرائت‌ها قرار دهد. بدین ترتیب، زیبایی یک اثر ادبی و هنری را همان دریافت‌هایی تشکیل می‌دهند که در طول تاریخ در فرهنگهای متفاوت عملی شده‌اند و تجربه‌های خوانندگان معیار اصلی ارزیابی زیبایی یک اثر ادبی و هنری است.

د. افق انتظار^۸

اما هستهٔ اصلی تئوری دریافت ادبی و زیبایی‌شناسی دریافت، افق انتظار است. اصطلاحی است که یائوس آن را از فلسفه به عاریت گرفته و تعریفی که از آن ارائه می‌دهد عبارت از نظام رفرانس‌هایی است که بنا به آن هر اثر، همزمان با لحظه‌ای که در

8) Horizon d'attente

اختیار خوانندگان قرار می‌گیرد، از سه فاکتور اساسی تبعیت می‌کند:

۱) تجربه قبلی که خوانندگان کسب کرده‌اند (۲) شکل و موضوع آثار قبلی که خوانندگان بر آنها تسلط دارند و آنها را می‌شناسند. (۳) تضاد و تفاوتی که ما بین زبان ادبی و زبان کاربردی، بین دنیای تخیل و دنیای واقعی، وجود دارد. از این مطالب چنین استنباط می‌شود که چقدر روند دریافت، با ارجاع به آثار قبلی، ریشه در مسائل تاریخ ادبیات می‌دواند و در عین حال بر ویژگی زبان ادبی و فاصله‌ای که زبان ادبی نسبت به استعمال عادی زبان می‌گیرد تأکید می‌ورزد. در تعریف افق انتظار، از لحظه تاریخی سخن به میان آوردیم. باید بگوییم که مشخص کردن معیارهایی که به کمک آن بتوانیم افق انتظار یک - ... ی، ا تعریف کنیم کار آسانی نیست. هر لحظه از تاریخ، افق انتظار خاص خودش را دارد. بدین ترتیب، دو نوع افق انتظار می‌توان مشخص نمود: «افق انتظار مردم»، «افق انتظار اثر». آنچه که مربوط به افق انتظار مردم می‌شود افقی است تفسیری که مبتنی بر اصول ما تقدم اثر است.

هر خواننده‌ای گذشته خاص خود را دارد و تحت تأثیر سنت فرهنگی، محتوا و بار فرهنگی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند، فرهنگ و جامعه‌ای که او به هیچ وجه نمی‌تواند منکر آن باشد. اما افق انتظار اثر، آن افقی است که مسئولیت اصلی آن را نویسنده بر عهده دارد. این افق همواره با خواننده ایده‌آل یا خواننده مستتر (طبق گفته ایدز) مشتبه می‌شود. زیرا در نظر ایدز، خواننده ایده‌آل همان مجموعه رفتارها، شناخت‌ها، و پیش‌داوری‌هایی است که متن به عنوان شرایط قرائت پذیر بودن خود تلقین می‌نماید.

پس در افق انتظار، این مسأله مطرح است که آیا عوامل درون متنی در دریافت اثر مؤثرند یا عوامل برون متنی؟ یعنی اگر فرض کنیم که خواننده‌ای در حال قرائت اثری تحت تأثیر متن قرار می‌گیرد، آیا عوامل بیرون از متن دخالت دارند یا خود متن است که خواننده را متأثر می‌کند. به عبارت دیگر، خنده یا گریه حاصله در طول قرائت اثر ادبی و هنری ناشی از عوامل درون متنی است یا برون متنی؟

می‌دانیم که وقتی متن به چاپ می‌رسد دیگر محور اصلی اثر از دست نویسنده خارج می‌شود و این خوانندگان واقعی‌اند که اثر را هدایت می‌کنند و به عهده منتقدان است تا اثر را نقد و بررسی و تحلیل کنند. در زیبایی شناسی دریافت، وقتی که خواننده مطرح

می‌شود، اثر ادبی معنای خود را از زنجیره دریافت، که در طول تاریخ و در افق‌های مختلف توسط خوانندگان به عمل می‌آید، اخذ می‌کند. افق انتظار اولین خوانندگان یک اثر، همان سیستم رفرانس‌هایی هستند که پیش از تجربه‌ای که خوانندگان از این نوع نوشتار یا از شکل و موضوع آثار قبلی دارند، به وجود می‌آید. در یک متن قرائت پذیر، همواره رفرانس‌های مستتری هستند که به خوانندگان، که پیشاپیش به نوعی دریافت عادت دارند، ارائه می‌شوند. این رفرانس‌های از پیش تعیین شده همان افق انتظار یک متن را تشکیل می‌دهند. اثر، وقتی نوشته می‌شود، اگر با افق انتظار خوانندگان فاصله نداشته باشد، شیوه‌هایی را که متعاقباً قبول شده است منعکس خواهد نمود و به ادبیاتی که در آن جامعه شناخته شده است مرتبط خواهد شد. ولی اثری که نوشته می‌شود، اگر همزمان با چاپ آن، قرائت و دریافت عملی نشود و از جامعه خود فاصله بگیرد، هم‌زمان با انتشار دریافت مثبتی نخواهد داشت و فهم و دریافت آن عملی نخواهد شد. همین اثر، که دریافت مثبتی نداشته است، در طول تاریخ قرائت می‌شود و به صورت یک اثر کلاسیک در می‌آید، زیرا که افق‌های انتظار با پیدایش بی‌وقفه آثار جدید تغییر می‌پذیرند و آثاری که در عصر خودشان ناشناخته می‌مانند بعداً به مرور زمان شناخته می‌شوند و احتمالاً از موقعیت جالب توجهی برخوردار می‌گردند. خلاصه ادبیات، به میزانی که دیدگاه و جهان‌بینی خوانندگان را هدایت می‌کند و تغییر می‌دهد، عملکرد اجتماعی برتری را اعمال می‌کند.

Bibliographie

Ouvrages

- 1) Bessière, J., et al , *Histoire des poétiques*, Puf, Paris 1997.
- 2) Bessière, J. et al, *Théorie Littéraire*, Puf , Paris 1989.
- 3) Brunel, P. et Chevrel, Y., *Précis de Littérature Comparée*, Puf, Paris 1989.
- 4) Brunel, P. et al *Qu'est-ce que la littérature Comparée?*, Armand Colin, 1983.
- 5) Chevrel, Y., *La Littérature comparée*, Puf, Que sais - je? 1989.
- 6) Dufays, J.L., *Stéréotype et Lecture*, Mardage, 1994.
- 7) Jauss, H.R., *Pour une esthétique de la réception*, Gallimard, Paris 1978.
- 8) Jeune, S., *Littérature générale et littérature comparée*, *Lettres Modernes*, Minard 1968.
- 9) Jouve, Vincent, *La Lecture*, Hachette, 1993.

- 10) Maurel, Anne, *La Critique*, Hachette, 1994.
- 11) Marino, A., *Comparatisme et théorie de la littérature*, Puf, 1988.
- 12) Pageaux, D.H., *La Littérature générale et Comparée*, Armand Colin, 1994.
- 13) Souiller, D. et al., *Littérature comparée*, Puf, 1977.

Essais

- *Revue des sciences humaines* N° 177, 1980, "Sur l'effet de lecture".
- "Réponse à Claude Piché", par H.R. Jaus, in texte, *Revue de critique et de théorie littéraire*, 1984 N°3.
- "Expérience esthétique et herméneutique philosophique", par Claude Piché in texte, *Revue de critique et de théorie littéraire*, 1984 N° 3.

